

مسائل کلی ادبیات فارسی، تحلیل متون نظم و نثر از آغاز تا امروز، عرفان و تصوف، دستور زبان فارسی، ترجمه ادبی، زبان فارسی در دیگر کشورها، ادبیات معاصر و نقد کتاب.

عنوان مقاله : داستانهای منظوم غنایی در ادب فارسی

نویسنده : هاشم محمدی

مأخذ : کیهان فرهنگی، س هجدهم، ش ۱۷۵ (اردیبهشت ۸۰)، ص ۲۸ تا

۳۱

در ادبیات پیش از اسلام ایران چندین داستان به زبان پهلوی موجود است که می‌توان آنها را در ردیف رمانهای عاشقانه به مفهوم ادبی جدید دانست؛ همانند رمان اساطیری «یادگار زیران» و رمان توصیفی «کارنامه اردشیر بابکان». افزون بر این نه تنها داستانهایی مانند زال و رودابه، بیژن و منیژه، شیرین و فرهاد و خسرو و شیرین از زمان باستان به جا مانده است، بلکه بسیاری از داستانهای عاشقانه عامیانه مانند بهرام و گلندام به طور یقین از یادگارهای پیش از اسلام است.

بعد از اسلام، اشعار عاشقانه و غنایی در شعر فارسی از اواسط قرن سوم یعنی از نخستین روزگار پیدایش شعر دری آغاز شد و قدیمیترین آنها را می‌توان در اشعار بازمانده از حنظله بادغیسی (متوفی به سال ۲۲۰) یافت.

دوره کمال اشعار غنایی در زبان فارسی از قرن چهارم آغاز شد و در این عهد است که شاعران به سرودن نوع خاصی از شعر به نام غزل و جای دادن تغزلات

دلپسند در تشبیب قصاید پرداختند.

ابیات پراکنده‌ای که از رودکی مانده است، نشان می‌دهد که او به جز کلیله و دمنه منظوم و مثنوی «دوران آفتاب»، شش مثنوی دیگر داشته است که چون اصل این مثنویها از دست رفته، نمی‌توان درباره موضوع آنها داوری کرد. بسیاری از داستانهای غنایی در لایه لای داستانهای حماسی ذکر شده است که زیباترین جلوه آن را می‌توان در داستانهای عشقی شاهنامه فردوسی دید؛ همانند زال و رودابه، بیژن و منیژه و...

در آغاز قرن پنجم هجری داستانسرایی رونق بیشتری گرفت. از مشاهیر شاعران این دوره که به نظم داستانهای عاشقانه پرداخت، عنصری شاعر داستانهای منظوم «وامق و عذرا» و «خنگ بت و سرخ بت» و «شادبهر و عین الحیات» است که البته از این منظومه‌ها جز ابیات پراکنده چیز دیگری در دست نیست. از همین اوان داستان دیگری به نام «ورقه و گلشاه» از شاعری به نام عیوقی در دست است که اصل آن از منابع عربی گرفته شده است و از جهاتی به داستان لیلی و مجنون شباهت دارد.

در پایان نیمه اول قرن پنجم هجری یکی از داستانهای کهن ایرانی به نام «ویس و رامین» به شعر فارسی درآمد. این داستان بی تردید از داستانهای اواخر دوره اشکانی است و کسی که آن را از متن پهلوی یا ترجمه فارسی آن به شعر در آورد، فخرالدین اسعد گرگانی است. او چندان مهارت و استادی در کار خود نشان داد که منشأ ایجاد روش خاصی در داستانسرایی گردید، این منظومه را می‌توان سرآغاز منظومه‌های عاشقانه موجود در ادب پارسی دانست که مورد تقلید شاعران بعد از خود قرار گرفت.

در اواخر قرن پنجم یکی از داستانهای مطبوع مشهور یعنی داستان «یوسف و زلیخا» ساخته شد که بعضی آن را به غلط به فردوسی نسبت داده بودند. ناظم این داستان که نام او معلوم نیست، داستان را به بحر متقارب و به نظم ساده و روان و در بعضی موارد سست سروده است. مأخذ این منظومه سوره مبارکه یوسف در قرآن کریم و سپس قصه‌های اسرائیلی است که در تورات آمده و آنچه مفسران

اسلامی در تفسیر این سوره گفته‌اند.

در پایان قرن ششم، نظم داستانهای عاشقانه در زبان فارسی به وسیله یکی از ارکان شعر فارسی یعنی نظامی گنجوی به حد اعلای کمال رسید. نظامی چند داستان معروف زمان خود را به نظم در آورد که عبارت است از خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر یا بهرامنامه. مهارتی که نظامی در تنظیم و ترتیب منظومه‌های خود به کار برده است، باعث شد که بزودی آثار او مورد تقلید شاعران قرار گیرد که این تقلید از قرن هفتم به بعد آغاز شد و در تمام دوره‌های ادبی زبان فارسی ادامه یافت.

نخستین و بزرگترین شاعری که به تقلید از نظامی پرداخت، امیر خسرو دهلوی و بعد از او خواجو، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، فیضی و آذر بیگدلی را می‌توان نام برد.

از شاعر و عارف نام‌آور قرن ششم و آغاز قرن هفتم، عطار نیشابوری مثنویهای بسیاری در دست است که تنها یک مثنوی عاشقانه به نام «خسرو نامه» است. اصل این داستان افسانه‌ای باستانی به قلم بدر اهوازی و موضوع آن همچون خسرو و شیرین نظامی است.

در آغاز قرن هفتم هجری اولین بار امیر خسرو دهلوی سه داستان عاشقانه خود را به پیروی از نظامی سرود. سه داستان عاشقانه او شیرین و خسرو، مجنون و لیلی و هشت بهشت است که به ترتیب، تقلیدی از منظومه‌های خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر نظامی است.

مثنویهای عاشقانه دیگری که در این مقاله از آنها نام برده شده عبارت است از: «عشق نامه از حسن دهلوی، مثنویهای «همای و همایون» و «گل و نوروز» از خواجوی کرمانی که به سبک و سیاق خسرو و شیرین نظامی سروده شده است، مثنوی «جمشید و خورشید» اثر سلمان ساوجی (۷۰۸ تا ۷۷۸)، منظومه «مهر و مشتری» یا «عشقنامه» از شمس الدین محمد عصار تبریزی.

قبل از جامی خاتم شعرای این دوره منظومه‌هایی در شرح عشق و عاشقی به نام «ده نامه» رواج داشته است. از هفت منظومه‌ای که هم اکنون به نام «ده نامه»

شناخته شده و در دست است، شش منظومه در قرن هشتم و فقط یکی در قرن نهم سروده شده است. شاید آبخخور این ده نامه‌ها، همان نامه‌های دهگانه‌ای باشد که فخرالدین گرگانی در منظومه «ویس و رامین» آورده است.

از آثار جامی خاتم شعرای این دوره، هفت اورنگ شامل هفت مثنوی است که در بین آنها سه مثنوی عاشقانه وجود دارد. مثنویهای «سلامان و ایسال»، داستان دلدادگی سلامان فرزند پادشاه یونان به ایسال دایه خود، «یوسف و زلیخا» که مهمترین و کاملترین روایتی است که تمام موضوعات منظومه‌های قبل از خود را دارد، «لیلی و مجنون» که جامی کوشیده است تا میان یک داستان رمانتیک و عشق مادی آدمیان رابطه برقرار سازد.

بعد از جامی با تمام کوششهایی که شاعران دوره‌های بعد در ابتکار موضوعات جدید برای داستانهای خود به کار بردند، در مبانی کار خود پیرو داستانسرایان بزرگ پیش از خود خاصه نظامی، امیر خسرو و جامی و متابعان آنان بودند. ویژگی همه این منظومه‌ها نازلتر بودن و ساده‌تر و کوتاهتر بودن آنهاست.

عنوان مقاله : زندان زبان

نویسنده : محمد حسن حسن زاده نیری

مأخذ : زبان و ادب (مجله دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

دانشگاه علامه طباطبایی)، س سوم، ش یازدهم (بهار ۷۹، تاریخ

انتشار اسفند ۷۹)، ص ۵۶ تا ۶۶

زبان مهمترین ابزار بیان دریافتهای انسان است و برای رسیدن به جهان اندیشه انسان - جز در موارد بسیار استثنایی - غیر از زبان راهی وجود ندارد. اما با همه ارتباطی که زبان با فعالتهای انسان دارد، همیشه دوشادوش فعالتهای ذهنی انسان پیش نمی‌رود و درجهایی از همراهی با آن باز می‌ماند؛ به عبارت دیگر تفکر یا هر یک از فعالتهای دیگر ذهن انسان آن چنان فریه می‌شود که بر دوش زبان سنگینی می‌کند. اینجاست که نقش دیگر زبان، یعنی نقش بازدارندگی آن بیشتر آشکار